

پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی - پژوهشی

شماره ۱۱

هزار و سیصد و نود و هفت - نیمسال اول (دوفصلنامه)

• تأملی بر جرم‌انگاری استفاده از سلاح‌های شیمیایی و صلاحیت زمانی دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به این جنایت با نگاهی به جنگ عراق و ایران

۵

دکتر مهدی عبدالمالکی - دکتر سید قاسم زمانی

۳۵

بررسی جرم‌شناختی خشونت تماشاگران فوتبال

مجید آقایی - دکتر علی صفاری

سنجش اثربخشی نقش‌گذاری روانی بر کاهش پرخاشگری کودکان (استفاده از نقش‌گذاری روانی به جای سازوکارهای کلاسیک مجازات رفتارهای خشونت‌آمیز)

۶۹

دکتر محمد آشوری - المیرا سلیمانی سواد رودباری

۱۰۵

امور فوری در دادرسی کیفری

دکتر منصور رحمدل

۱۳۱

سیاست جنایی قضایی ایران در رابطه با مجازات‌های جایگزین حبس

دکتر حسین غلامی - داود خاکسار

۱۶۱

رابطه حاشیه‌نشینی با ارتکاب جرم در شهر کرمانشاه (مورد مطالعه: منطقه حاشیه‌نشین دولت‌آباد کرمانشاه در سال ۱۳۹۳)

دکتر تهمورث بشیریه - محمدسعید مظفری

۱۹۱

کاربست جرم‌شناسی فرهنگی در تحلیل بزهکاری کودکان و نوجوانان با تکیه بر مفاهیم کارناوال، آدرنالین و زندگی دوم

دکتر سارا آقایی





کاربست جرم‌شناسی فرهنگی در تحلیل بزهکاری کودکان و نوجوانان با تکیه بر مفاهیم کارناوال، آدرنالین و زندگی دوم

دکتر سارا آقائی*

چکیده:

جرم‌شناسی فرهنگی به عنوان رویکرد نظری متمرکز بر مطالعه بافت فرهنگی جرم و بزهکاری، محصول دهه ۱۹۹۰ میلادی است. این جرم‌شناسی که به اعتبار برخورداری از روش‌شناسی کیفی، در نقطه مقابل جرم‌شناسی‌های سنتی و کمی قرار می‌گیرد، در راستای مفهوم‌سازی پدیده‌های بزهکارانه و کژروانه، توجه ویژه‌ای به تمامی عناصر فرهنگی پویا در بیرون و درون بزهکار داشته و از این رو، سعی در درک همدلانه و فهم عمیق احساسات، هیجانات، لذات و وجدی دارد که ارتکاب برخی جرایم و بزه‌ها برای مرتکبان نشان به همراه دارند. تمرکز ماهوی بر این عوامل و بهره‌مندی از روش قوم‌شناسی، سبب گردیده تا مسیر تحلیلی جرم‌شناسی فرهنگی در حوزه بزهکاری کودکان و نوجوانان در دنیای متکثر و پست‌مدرن معاصر، کارآمد و قابل پیاده‌سازی باشد. در این میان، «کارناوال»، «آدرنالین» و «زندگی دوم» به عنوان مفاهیمی استعاری، ابزاری بی‌بدیل و از نقاط ثقلی‌اند که مطالعات این جرم‌شناسی متفاوت و مدرن بر مدار آنها انجام می‌شود.

کلیدواژه‌ها:

کارناوال، جرم‌شناسی فرهنگی، آدرنالین، هیجان، زندگی دوم.

مقدمه

پدیده بزهکاری کودکان و نوجوانان از مهم‌ترین عارضه‌های اجتماعی، فرهنگی و قضایی

* دانش‌آموخته دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و مدرس دانشگاه
Email: aghaei.sarah@gmail.com

است که به رغم ریشه داشتن در دوران باستان و ادوار کهن، امروزه در دوران معاصر و تحت تأثیر پیامدهای حاصل از پست‌مدرنیسم با شدت و ضعفی متفاوت، به نحوی جدی‌تر کلیه کشورهای را مورد آسیب خود قرار داده است.

سن، عامل تعیین‌کننده‌ای در رفتار و کردار انسان محسوب می‌شود، چندان که هر دوره سنی به لحاظ ویژگی‌های خاص روانی و جسمانی خود، آثار جامعه‌شناختی و حقوقی متفاوتی برای فرد به همراه دارد. سن در واقع، «اندازه زمانی تاریخ اجتماعی فرد» است.^۱ با لحاظ این مهم، بزهکاری نوجوانان در عمل از حدود دوازدهمین سال زندگی آغاز می‌شود، ولی تا سن ۱۶ سالگی نسبتاً ضعیف است. بین ۱۶ تا ۱۸ سالگی، بزهکاری، خود را در فرد مستقر می‌کند. بین سن ۱۸ تا ۲۵ سالگی، دوره‌ای میانی وجود دارد که طی آن، فعالیت مجرمانه شدید است. از آغاز ۲۵ سال، بزهکاری وارد مرحله پختگی (بالیدگی) می‌شود و از نظر جرم‌شناسی، یک مرحله ثبات آغاز می‌شود. از ۲۵ تا ۳۰ سالگی، فعالیت مجرمانه هنوز بالاست. افول بزهکاری، حدود ۳۵ سالگی در نظر گرفته می‌شود.^۲ کلیه اسناد لازم‌الاجرا و ارشادی سازمان ملل متحد در خصوص کودکان و نوجوانان، مربوط به افراد تا ۱۸ سال است. در این اسناد، گاهی اصطلاح طفل، گاه نوجوان و برخی موارد، لفظ جوان به کار برده شده که از میان این عناوین، فرد جوان، تعریف نشده است.^۳ در کنوانسیون حقوق کودک، کلیه افراد زیر ۱۸ سال در تعریف کودک گنجانده شده‌اند. در این سند الزام‌آور و بسیاری دیگر از اسناد بین‌المللی، مبنای ورود به دنیای بزرگسالی، سن ۱۸ سالگی، بدون تفکیک بین دختر و پسر است. در قواعد «بینجینگ» (قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل برای مدیریت دادگستری جهت نوجوانان) در تعریف نوجوان به کودک یا فرد کم‌سالی اشاره شده که مشمول رفتاری متفاوت از افراد بالغ در قبال بزهکاری است.^۴ در واقع در این اسناد، معنای موسعی برای واژه کودک در نظر گرفته شده، به نحوی که دربردارنده محدودۀ نوجوانی نیز هست.

هرچند سازمان ملل متحد در هفتمین کنگره پیشگیری از جرم و عدالت کیفری به سال

۱. علی حسین نجفی ابرندآبادی، دیباچه بر پژوهشی در مبانی پیشگیری اجتماعی رشمدمدار از بزهکاری

اطفال و نوجوانان، تألیف محمود رجبی پور (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۱)، ۱۳.

۲. علی حسین نجفی ابرندآبادی و حمید هاشم‌بیگی، *دانشنامه جرم‌شناسی* (تهران: انتشارات گنج‌دانش،

۱۳۹۰)، ۴۳.

۳. مریم صادق‌نیا، *مسئولیت کیفری طفل در آیین قانون و فقه* (قم: انتشارات دارالنشر اسلام، ۱۳۹۳)، ۳۶.

۴. یاسمن خواجه‌نوری، *جهانی شدن حقوق کیفری اطفال بزهکار* (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶)، ۴۰.

۱۹۸۵ در میلان ایتالیا، افراد میان ۱۵ تا ۲۴ سال را به عنوان نوجوان شناخته است، بدون آنکه خللی بر تعاریف دیگر کشورهای عضو وارد کند.^۵ اما از نظر روان‌شناسان و جرم‌شناسان، دوران نوجوانی، حدود سنی ۱۲ تا ۱۸ سالگی را دربر گرفته و مرحله انتقال از کودکی به جوانی محسوب می‌شود.^۶ این در حالی است که در نظام حقوقی کشور ما و با ابتناء بر سن بلوغ شرعی در راستای تفکیک کودک و نوجوان از یکدیگر، مستند به ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، عملاً سن آغاز نوجوانی در دختران پایان ۹ سالگی و در پسران با تأخیری شش‌ساله، پایان ۱۵ سالگی تا مرز ۱۸ سالگی خواهد بود. این چنین به نظر می‌رسد که «جوانی» در مباحث جرم‌شناسی دربردارنده محدوده‌ای مابین ۱۸ تا ۳۵ سالگی می‌باشد.

بزهکاری نوجوانان، نشان‌گر برخورداری این گروه از ظرفیت و توانایی نقض بایددها و نبایدهای کیفری حتی به شکل پیاپی در آینده است.^۷ توجه به مسائل کودکان و نوجوانان به ویژه در کشورهایی که ترکیب جمعیتی آنها مانند ایران، جوان است به دلایل اجتماعی، «فرهنگی» و اقتصادی از اهمیت بسیاری برخوردار است.^۸ جامعه ایران مانند بسیاری از جوامع در حال توسعه، به ویژه تحت تأثیر فرهنگ غرب در سال‌های اخیر شاهد ازدیاد کمی و کیفی پدیده بزهکاری نوجوانان، جوانان و حتی کودکان بوده است. در کنار عواملی نظیر مهاجرت، توسعه شهرنشینی، مشکلات اقتصادی، ضعف باورهای مذهبی و سنتی و رشد فرهنگ مصرفی^۹ و نیز فراگیر شدن خرده‌فرهنگ‌های متعلق به این گروه‌های سنی و گسترش رسانه‌ها و به ویژه ورود فضای مجازی به زندگی مردم - که دو حوزه مطالعاتی کلیدی برای جرم‌شناسی فرهنگی محسوب می‌شوند - نباید از این واقعیت مهم روان‌شناختی و جامعه‌شناختی غافل شد که در این زمینه حساس، سخن از افرادی است که به لحاظ مقتضیات مرحله کودکی و نوجوانی، قطعاً بیش از سایر گروه‌های سنی جامعه به دنبال کسب تجربیات نوین هیجانی در زندگی‌های روزمره خود و لذت‌جویی و وجدطلبی هستند. لذا واکاوی بزهکاری آنها، نیازمند توسل و استفاده از اندیشه و چارچوب نظری جرم‌شناسی است

۵. فریده طه، بررسی کنگره‌های پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد (کودکان و نوجوانان در معرض خطر بزهکاری) (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰)، ۶۳ و ۱۵۶.
۶. شهلا معظمی، بزهکاری کودکان و نوجوانان (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۹۲)، ۵۶.
۷. امیرحسین نیازپور، حقوق کیفری کودکان و نوجوانان (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶)، ۱۳.
۸. نسرین مهرا، عدالت کیفری کودکان و نوجوانان (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰)، ۱۱.
۹. علی نجفی‌توانا، جرم‌شناسی (تهران: نشر آموزش و سنجش، ۱۳۸۵)، ۳۲ و ۳۳.

که بتواند این امور سراسر فرهنگی را در مرکز مطالعه خویش قرار دهد. جرم‌شناسی فرهنگی با توجه به بستر تحلیلی‌اش از چنین توانی برخوردار است، به ویژه آنکه خود نیز به عنوان یکی از اعضای خانواده جرم‌شناسی انتقادی^{۱۰}، زائیده شرایط پست‌مدرن معاصر هست. تحلیل بزهکاری کودکان و نوجوانان باید در لفافه‌ای از دلسوزی و درک صورت گیرد و این در شرایطی است که تا به امروز اکثر تحقیقات مربوط به بزه‌ها و انحرافات کودکان و نوجوانان، آشکارا برای آن طراحی شده‌اند که دلیل این همه ددرسازای آنان برای سایرین را دریابند^{۱۱}، نه آنکه به دنبال فهم عمیق فرهنگی و احساسی پاره‌ای از فعالیت‌های منسوب به این گروه‌های سنی باشند که گاهی اوقات، خط قرمزهای قانون را صرفاً به انگیزه ارضای حس کنجکاوی و به امید رسیدن به هیجان و ترشح هورمون آدرنالین در خون خود درمی‌نوردند. از این رو، در حال حاضر و به علت ناکارآمدی نسبی نظریات پیشین جرم‌شناسی‌های سنتی که جملگی در فضای مدرنیسم و متناسب با شرایط زمانی خاص خود الگوبندی شده‌اند^{۱۲}، بی‌تردید نیازمند فراخوانی و کاربست دیدگاه نظری نوآوری هستیم که در

۱۰. «جرم‌شناسی انتقادی» (Critical Criminology) در پی پرداختن به شیوه‌هایی است که ضمن آنها، فعالیت‌های دولتی به کار حاشیه‌ای کردن و به دنبال آن، بزهکار نمودن برخی افراد و گروه‌ها و نه دیگر گروه‌ها می‌باشد (ساندرا والک لیت، *ساخت جرم‌شناسی*، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶)، ۵۹). احساسات برآمده از حاشیه‌نشینی و معنایی که کودکان و نوجوانان محکوم به حاشیه‌نشینی به زندگی فردی و اجتماعی خود نسبت می‌دهند، از محورهای اصلی تحلیل در بزهکاری آنان در جرم‌شناسی فرهنگی محسوب می‌شود.

دیدگاه جرم‌شناسی انتقادی که جرم‌شناسی فرهنگی نیز طیفی از آن است، شمار وسیعی از ایده‌ها و گرایش‌های خاص تحلیلی را در درون خود پیوند داده است. یکی از وجوه متمایزکننده این دیدگاه، مشارکت کلی آن در موضع مخالفت با دو محور زیر است: نخست با بخش عمده‌ای از آثار متعلق به قلمروی متعارف جرم‌شناسی و دیگری، با بسیاری از سیاست‌پردازی‌های معاصر در قلمروی نظام جزایی (راب وایت و فیونا هینز، *جرم و جرم‌شناسی* (تهران: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳)، ۳۹۱).
۱۱. بریان استوت، جو بیئتس و بریایان ویلیامز، *جرم‌شناسی کاربردی*، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳)، ۱۷۸.

۱۲. در مقام بیان برخی از مهم‌ترین علل ناکارآمدی نسبی جرم‌شناسی‌های سنتی در تحلیل، کنترل و پیش‌بینی موقعیت‌های بزهکارانه در دنیای متکثر معاصر می‌توان به شرایطی اشاره نمود که در طی آن، بسیاری از جوامع از جمله کشورهای غربی و در صدر آنها، آمریکا از دهه ۱۹۹۰ میلادی شاهد کاهش نرخ ارتکاب جرم در برخی از حوزه‌ها بودند که برخلاف تمامی پیش‌بینی‌ها و پیش‌ارزیابی‌های صورت‌گرفته از سوی نظریات متقدم جرم‌شناسی بود. امری که سبب برگزاری همایش‌ها و جلسات متعدد جرم‌شناسانه در آمریکا شد و خروجی آن، بازایی عامل فرهنگ در معنایی پست‌مدرنیستی در این مسیر بود. همین جریان، جرقه طرح جرم‌شناسی فرهنگی گردید. از طرفی بیشتر جرم‌شناسی‌های سنتی، حتی

قالب‌بندی و مدیریت راهبرد مطالعاتی خود در باب بزهکاری کودکان و نوجوانان، نسبت به احساسات، لذات و هیجانات این گروه از مرتکبان، دغدغه‌مند بوده و با ارائه مدلی نوین، در برقراری ارتباطی مؤثر و همدلانه با بزهکاران دنیای معاصر توانا و موفق باشد. جرم‌شناسی معاصر به مدد رویکردهایی نظیر جرم‌شناسی فرهنگی به شکل زیبایی به جوشش و غلیان درآمده است. این نظریه‌پردازان در حالی که شواهد پیشین را مجدداً مفهوم‌سازی می‌کنند، شواهد جدیدی را در بزهکاری می‌آزمایند^{۱۳} و از جمله این عناصر نوین، احساسات و هیجانات هست.

در مقاله پیش رو و در رهگذر به چالش کشیدن موقعیت مورد بحث، ابتدا نمایی بس کوچک از چیستی و ماهیت جرم‌شناسی فرهنگی ارائه می‌شود و سپس به بررسی احساسات و هیجانات درونی بزهکاران کودک و نوجوان در پرتوی سیاست‌های تحلیلی این رهیافت نظری پرداخته خواهد شد؛ امری که سبب ظهور ادبیاتی جدید در این حوزه گردیده است.

۱- جرم‌شناسی فرهنگی چیست؟

در سال‌های دهه ۱۹۷۰ میلادی، توجه شایانی به ارتباط طبقه اجتماعی و سبک زندگی که در سنت مطالعات فرهنگی انگلستان رواج یافت، به همراه مفهوم‌سازی‌های موسوم به پست‌مدرنیسم در سال‌های دهه ۱۹۹۰ میلادی به بعد که اساساً بر ماهیت متکثر

آنهایی که به مقوله فرهنگ می‌پردازند، اساساً از این واقعیت غافل‌اند که جرم و بزه در وهله اول، دارای روح انسانی هستند و نه اموری انتزاعی که صرفاً در آمار و ارقام بگنجند. از این رو یکی از فصول ممیزه و شاخصه‌های جرم‌شناسی فرهنگی در تقابل با جرم‌شناسی‌های سنتی، روش‌شناسی کیفی این رویکرد نوین (یعنی قوم‌شناسی و تحلیل محتوای متون رسانه‌ای) بوده که کاملاً با پیچیدگی‌های جرم و بزهکاری در دنیای امروزی هماهنگ است. در حالی که جرم‌شناسی‌های سنتی در بستر مدرنیستی خود، پایبند به روش‌شناسی‌های کمی‌اند که کاستی‌های آنها بر همگان آشکار است. اعتقاد به کثرت در مقابل وحدت و باور به یکی بودن شکل و محتوا (در مقابل جدایی شکل و محتوای مدرنیستی) از دیگر نقاط قوت جرم‌شناسی فرهنگی به شمار آمده که خود را در حوزه جرم به عنوان فرهنگ و حین مطالعه خرده-فرهنگ‌های بزهکار به خوبی نشان می‌دهد. پرداختن به مفهوم «سبک» از نتایج این امر است. یکی دیگر از ثمرات نگاه پست‌مدرنیستی این جرم‌شناسی انتقادی در حوزه رسانه و مفهوم‌سازی ترس اخلاقی و عواقب آن هویداست. در نهایت جرم‌شناسان پست‌مدرن فرهنگی با بیش از یک معنا از فرهنگ روبه‌رو هستند و این در حالی است که در دیدگاه جرم‌شناسان مدرن سنتی، همواره برشی کوچک از فرهنگ مطالعه می‌شود.

۱۳. فرانک پی. ویلیامز و ماری لین دی. مک‌شین، *نظریه‌های جرم‌شناسی*، حمیدرضا ملک‌محمدی (تهران): نشر میزان، ۱۳۸۸، ۲۹۴.

خرده‌فرهنگ‌ها و سبک‌های زندگی به ویژه در میان نوجوانان و جوانان تأکید داشته و دارد، پایه‌گذار جرم‌شناسی جدیدی با نام جرم‌شناسی فرهنگی گردید و این‌چنین نقش جبرگرایی‌های ساختاری در وقوع جرم و بزه به چالش کشیده شد.^{۱۴} بدین‌سان می‌توان گفت که رواج سنت انتقادی نسبت به جرم‌شناسی‌های کمی و توجه و بازگشت به فرهنگ به عنوان مؤلفه‌ای مهم در جرم و بزه‌کاری، طرح دیدگاه‌های پست‌مدرن و مهم‌تر از همه تأثیرات رویکرد رو به رشد مطالعات فرهنگی، زمینه‌ساز تحوّل جدی در نظریه‌پردازی و فهم پدیده بزه‌کاری شد^{۱۵} که پیامد آن به طرح و گسترش جرم‌شناسی فرهنگی انجامید؛ یعنی جرم‌شناسی‌ای که با تغییر جهتی کارساز به عنصر تجربه انسانی در فرایند مطالعه بزه‌کاری علاقه‌مند است.

جرم‌شناسی فرهنگی به زنجیره‌ای از توجهات جرم‌شناسی نسبت به ارتباط متقابل میان فرهنگ و جرم در معنای گسترده اطلاق می‌شود. این رویکرد توسط «جف فرل» و «کلینتون سندرز» در سال ۱۹۹۵ میلادی مطرح شد. فرل در طرح این رویکرد نظری به جرم‌شناسی نوین آمریکایی و نیز مطالعات فرهنگی مکتب «بیرمنگهام» اشاره دارد. در حالی که جرم‌شناسان فرهنگی دیگری نظیر «مایک پرسدی»، «هی‌وارد» و «یانگ»، به ترتیب، دیدگاه‌های مارکسیسم، جامعه‌شناسی «دورکیم»، «پارسونز» و «مرتن» و نیز مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی شهری «جان‌اتان رابان»^{۱۶} و «میشل دسیرتو»^{۱۷} را به این مجموعه می‌افزایند.^{۱۸} از این رو، جرم‌شناسی فرهنگی به عنوان گرایشی نوخاسته از درون جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و عدالت کیفری، ریشه در خاستگاه‌های ذهنی متنوعی دارد. جرم‌شناسی فرهنگی با کاربست و ترکیب دیدگاه‌های پست‌مدرنیسم، فمینیسم و تفکرات برساخت‌گرایانه در جامعه‌شناسی، سعی می‌کند تا رویکردهای مطالعات فرهنگی، فرایندهای رسانه‌ای و خرده‌فرهنگی را در کاوش‌های چندبعدی و تحلیل‌های ظریف مابین فرهنگ و جرم به کار بندد. جرم‌شناسی فرهنگی با برقراری ارتباط میان این زمینه‌های مطالعاتی متنوع و به‌ویژه از رهگذر روش‌شناسی خاص خود؛ یعنی قوم‌شناسی^{۱۹} و تحلیل محتوا^{۲۰} بر مسائل مربوط به

۱۴. محمدسعید ذکایی، «جرم‌شناسی فرهنگی و مسئله جوانان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران* ۱۳ (۱۳۹۱)، ۵۸.

۱۵. همان، ۲.

16. Jonathan Raban.

17. Mitchel De Certeau.

18. Martin O'Brien, and Majid Yar, *Criminology: The Key Concepts* (New York, USA: Routledge, 2008), 46.

19. Ethnography.

20. Content Analysis.

جرم و بزهکاری با نگاهی فرهنگی احاطه دارد.^{۲۱}

در ترسیم چهره کلی جرم‌شناسی فرهنگی باید از دو حوزه مطالعاتی نوپدید و ناب این رویکرد؛ یعنی «جرم به عنوان فرهنگ» و «فرهنگ به عنوان جرم» سخن گفت. در این گفتمان و در قالب نخست، تمرکز بر خرده‌فرهنگ‌ها بوده که به عنوان واحدهای تحلیلی در بزهکاری در نظر گرفته می‌شوند. در این راستا، مفاهیمی چون معنا، سبک، مصرف فرهنگی، هویت خرده‌فرهنگی و کنش متقابل، از ابزارهای تحلیل هستند. زمینه دوم نیز معطوف به مطالعه رسانه‌های جمعی است. جرم‌شناسی فرهنگی در این مسیر به بررسی نقش رسانه‌ها در تولید ترس‌های اخلاقی از جرم و نیز گسترش رویکردهای عوام‌گرایانه کیفری با لحاظ مفاهیمی چون کارفرمایان اخلاقی و هژمونی‌های فرهنگی پرداخته و نیز به آسیب‌شناسی تأثیر انواع رسانه‌ها در وقوع جرم از طریق مکانیسم آموزش و الگوپذیری و نیز تحت تأثیر جریان سرمایه‌داری می‌پردازد. بنا نهادن هر دو رهیافت، تحت تأثیر ورود عنصر «قدرت» به مجموعه اجزای تحلیلی این جرم‌شناسی نوین محقق می‌شود.

جرم‌شناسی فرهنگی در جریان نگاهی فرهنگی به پدیده بزهکاری، سخت بر این باور پایبند است که شناخت و درک احساسات، عواطف و تجربیاتی که در جریان اعمال بزهکارانه شکل می‌گیرند، نیازی ضروری است که بدون آن، امکان تحلیل وضعیت وجود نخواهد داشت. به عبارتی جرم‌شناسی فرهنگی با برخورداری از دیدی عمیق نسبت به عناصر فرهنگی موجود، سعی دارد تا بزه را به عنوان فعالیت انسانی دربرگیرنده احساساتی خاص درک کند و این چنین، سیاست‌های پیشین پیرامون جرم و عدالت کیفری را نقد نماید.^{۲۲} با این رویکرد، یکی از تمرکزهای اساسی این رشته بر احساسات و تجربیاتی است که می‌تواند از ارتکاب جرم و بزه نصیب مرتکبان شود.

در راستای تلاش این جرم‌شناسی نوین در درک تجربیات و احساسات افراد است که جرم‌شناسان فرهنگی برشی از زندگی اجتماعی را که موضوع مکالمات رایج در اماکنی نظیر محل کار، ایستگاه اتوبوس، مترو و یا موضوع فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی و بازی‌های رایانه‌ای است را به عنوان مسائلی اساسی مورد مطالعه قرار می‌دهند. بدین‌سان، انگشت

21. Jeff Ferrell, *Cultural Criminology* (New York, USA: Annual Review of Sociology, Department of Criminal Justice, Northern Arizona University, Flagstaff, 1999), Vol. 25, 400.

22. Jeff Ferrell, and Keith Hayward, *Cultural Criminology*, Reviewed by Dr. Matt Long (New York, USA: Nottingham Trent University, SAGE Publication, 2008), 2.

نهادن بر اهمیت احساسات و عواطف انسانی در جرم و کاوش در انگیزه‌های احساسی و هیجانی به ویژه نسبت به مرتکبان کودک و نوجوان، ویژگی منحصر به فرد این رشته بوده و اولین گام جرم‌شناسی فرهنگی در مقام تحلیل بزهکاری در تقابل با جرم‌شناسی‌های سنتی قلمداد می‌شود. زیرا در این رویکرد، جرم و بزه، رفتارهایی برخلاف قانون‌اند که دربرگیرنده طرز تفکر و نگرشی خاص نسبت به قوانین، ارزیابی عدالت و انگیزه‌های لازم مرتکبان برای نقض و نادیده گرفتن آنهاست.^{۲۳} جرم‌شناسی فرهنگی، شواهد و تجربیات زندگی روزمره را مورد استفاده قرار می‌دهد، صرف‌نظر از اینکه این شواهد کجا یافت می‌شوند و یا به چه شکلی به چشم می‌آیند. از این منظر، زندگی ما و دیگران سرشار از تجربه است که خود به اشکال فرهنگی تبدیل شده‌اند که می‌بایست به دقت بررسی و کالبدشکافی شوند و این‌گونه است که جرم‌شناسی فرهنگی که «جرم‌شناسی کیفی»^{۲۴} است در جایگاهی بالاتر از «جرم‌شناسی کمی»^{۲۵} قرار می‌گیرد.^{۲۶}

جایگاه برجسته جرم‌شناسی فرهنگی، برآمده از این نگاه فرهنگی ظریف است که در مطالعه پدیده بزهکاری، هیجان، لذت و ترس مرتکب را به همراه عصبانیت، خشم و شرمساری وی در نظر می‌آورد. از این رو، زندگی‌نامه افراد و تجربیات فردی آنان در زندگی اجتماعی از دیگر وضعیت‌های شکل‌دهنده بافت تحلیلی این رویکرد فراگیر جرم‌شناسانه هستند. به عبارتی، جرم‌شناسی فرهنگی با جریان زندگی روزمره در دنیای معاصر پیش رفته و بازتاب‌دهنده واقعیات فرهنگی موجود در آن است.^{۲۷} از این دریچه، زمینه‌های وقوع جرم و بزهکاری، نسبی و پیش‌ساخته بوده و در جریان مجموعه‌ای از روش‌های فرهنگی خلاق و پویا، معنا گرفته و توسط فرایندهای اجتماعی منتشر می‌شوند.^{۲۸} جرم‌شناسی فرهنگی، خود را این‌چنین تعریف می‌کند: «فعالیت در حاشیه جریان‌های اصلی جرم‌شناسی»؛ زیرا از یک سو، محل وقوع جرم، همین فضاها را فراموش شده است؛ یعنی جایی که داستان جرم و بزه به وقوع می‌پیوندد و دیگر آنکه جریان اصلی جرم‌شناسی، تحت تسلط پیچیدگی آمارهای خشک و انتزاعی و منطق‌گرایی محض بوده که این وضعیت به عدم درک و فهم همدلانه از

23. Ibid, 64, 65.

24. Qualitative Criminology.

25. Quantitative Criminology.

26. Mike Presdee, *Cultural Criminology and the Carnival of the Crime* (UK, London: Routledge, 2000), 15.

27. Jeff Ferrell et al., *Cultural Criminology Unleashed* (UK, London: Glasshouse Press, 2004), 13.

28. Keith Hayward, *Five Spaces of Cultural Criminology* (UK, London: University Press on behalf of Crime and Justice Studies (ISTD), 2012), 450.

جنبه‌های نمادین و احساسی رفتارهای بزهکارانه و تخلف‌آمیز انجامیده است.^{۲۹} به واقع، باید تأیید نمود که جرم‌شناسی فرهنگی در سال‌های اخیر، مفهوم «لذت‌گرایی»^{۳۰} را در خوانشی منحصر به فرد و به روز شده، به عنوان عنصری بنیادین در درک بزهکاری کودکان و نوجوانان به عالم جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی معرفی کرده و با الهام از این مفهوم به بررسی کیفی لذات و وسوسه‌های جرم می‌نشینند.^{۳۱}

در ادامه بر آن خواهیم بود تا پس ارائه شناختی کلی نسبت به چارچوب جرم‌شناسی فرهنگی، چگونگی ارزیابی بزهکاری کودکان و نوجوانان بر محور احساسات، هیجانات و لذات در قلمروی مفاهیمی تحت عناوین «عدسی آدرنالین» و «کارناوال» تبیین گردد.

۲- احساسات و هیجانات^{۳۲} و بزهکاری

اگرچه جرم‌شناسی در اروپا متولد شده، ولی در آمریکای شمالی؛ یعنی ایالات متحده آمریکا و کانادا، به شکوفایی کامل رسیده^{۳۳} و دیدگاه جرم‌شناسی فرهنگی که خاستگاهی آمریکایی دارد، به عنوان یکی از جدیدترین رویکردها، شاهد مثالی برای این ادعاست. این دیدگاه سعی نموده تا در مسیر تحلیل بزهکاری کودکان و نوجوانان از هیچ‌یک از عوامل فرهنگی نقش‌آفرین در این پدیده غافل نماند. جرم‌شناسان فرهنگی با تأکید بر مطالعه عوامل فرهنگی بیرونی و درونی بزهکاران کم سن و سال، دورنماهای جدیدی را بر عرصه جرم‌شناسی گشوده‌اند. این جرم‌شناسی نوین با تمرکز بر بسترهای فرهنگی بزهکاری از یک سو، مطالعه عوامل فرهنگی بیرونی، همچون مهاجرت، خرده‌فرهنگ‌ها و رسانه‌ها را در دستور کار خود دارد و از سوی دیگر به واکاوی علل بزهکاری در درون بزهکار؛ یعنی هیجانات، لذات و احساسات درونی او می‌پردازد. از این رو، یکی از مهم‌ترین جهات اهمیت و تمایز جرم‌شناسی فرهنگی در مقایسه با جرم‌شناسی‌های سنتی، مطالعه پدیده بزهکاری با در نظر گرفتن بُعد احساسات و هیجانات موجود در آن است.^{۳۴} بر این مبنای گاه کودکان و نوجوانان توسط همسالان خود به انجام رفتارهای مجرمانه و نابهنجار جهت «تخلیه انرژی» تحریک می‌شوند تا به هیجان دست

29. Martin O'Brien, "What is Cultural about Cultural Criminology?," The British Journal of Criminology/ Oxford Journals First Published (2005): 599.

30. Hedonism.

31. O'Brien, Yar, op.cit., 92.

32. Excitements.

۳۳. ژرژ پیکا، جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳)، ۳۰.

34. Ferrell et al., op.cit, 2004, 15.

یابند.^{۳۵} در مباحث پیش رو درصدد هستیم تا از یک سو، نقش احساسات و هیجانات لحظه‌ای و کوتاه‌مدت ناشی از انجام برخی فعالیت‌های بزهکارانه در قانون‌شکنی کودکان و نوجوانان روشن شود و از سویی دیگر، مفهومی با نام «زندگی دوم یا کارناوالی» تبیین گردد.

۲-۱- عدسی آدرنالین^{۳۶} و فعالیت‌های حاشیه‌ای

هدف نخستین رویکرد نوگرایی جرم‌شناسی فرهنگی، درک جرم به عنوان نوعی اقدام انسانی برای بیان است. بدین ترتیب، احساس‌گرایی، کلیدواژه‌ای راهبردی در جهت درک صحیح آن می‌باشد.^{۳۷} از منظر جرم‌شناسی فرهنگی، جرم، عملی خلاف قانون است که دربرگیرنده باورها و نگرش خاص مرتکب نسبت به قوانین، ارزیابی او از عدالت و انگیزه‌های وی در نقض قوانین است. یکی از این انگیزه‌ها، همانا تجربه حس لذت ناشی از انجام فعالیت‌های بزهکارانه یا انحرافی است. در بطن جرم‌شناسی فرهنگی، تحلیل احساسات هیجانی و لذت موجود در برخی جرایم و تخلفات، در پژوهش‌های «استفان لینگ» و «جف فرل» در خصوص «فعالیت‌های حاشیه‌ای» انجام گرفته است. آنها در مطالعه افرادی که درگیر فعالیت‌های خطرناکی همانند پرش از ارتفاع و مسابقات موتورسواری بوده‌اند، دریافتند که انگیزه نهایی شرکت‌کنندگان در انجام این فعالیت‌های لبه‌پرتگاهی^{۳۸}، جستجوی ترشح لحظه‌ای آدرنالین و لذت بردن‌های آنی است.^{۳۹} در این راستا، «استفان لینگ» در بستر روش «قوم‌شناسی» به توسعه مفهومی تحت عنوان «فعالیت‌های حاشیه‌ای» برای توصیف رفتارهای داوطلبانه خطرناک پرداخته است. با اینکه این ایده در ابتدا مورد توجه جرم‌شناسی فرهنگی نبود، اما پس از مدتی کوتاهی به سرعت به عنوان ابزاری برای بررسی ارتباط میان رفتارهای مجرمانه و انحرافی با مفهوم «خطرپذیری» به کار بسته شد. فعالیت‌های حاشیه‌ای به تجربه‌دگری در فعالیت‌هایی اشاره دارند که دربردارنده خطرات فردی ذاتی برای مرتکبند. این فعالیت‌ها که به نحو آزادانه و اختیاری انجام می‌شوند، ریشه در احساسات درونی فاعل و حس هیجان لحظه‌ای موجود در آن فعالیت خطرناک دارد.^{۴۰} نوجوانان

۳۵. لاری، جی سی‌گل، جرم‌شناسی، ترجمه یاشار سیفاللهی (تهران: نشر دفتر تحقیقات کاربردی ناجا،

۱۳۸۵)، ۴۸۹.

36. The Lenses of Adrenaline.

37. Ferrell *et al.*, op.cit, 2008, 1.

38. Edge Work.

39. Ibid, 71, 72.

40. O'Brien, Yar, op.cit., 49.

به علت روحیه خطرپذیری، ماجراجویی و تهوّر به انجام برخی اعمال ممنوعه گرایش دارند.^{۴۱} در پرتوی این دیدگاه، بزهکاری به خودی خود، چرخه‌ای است از احساس و معنا که از سوی افراد درگیر در واقعه مجرمانه تجربه می‌شود.^{۴۲} محققان جرم‌شناسی فرهنگی با تعمیم روند هیجانی فعالیت‌های خطرناک و یا رفتارهایی که در مرز جرم و انحراف قرار دارند، به دنیای بزهکاری بر این باورند که پاره‌ای از جرایم کودکان، نوجوانان و البته جوانان، تنها به این سبب رخ می‌دهند که مرتکبانشان در پی کسب لذت و هیجانات آنی و زودگذر هستند؛ هیجاناتی که به عنوان وسوسه‌هایی قوی، مجدداً نوجوان و جوان را به تکرار آن رفتار بزهکارانه یا انحرافی وامی‌دارد. نمونه این مورد را هرازگاهی در خیابان‌ها و بزرگراه‌های کلان‌شهری همچون تهران و یا در جاده‌های برون‌شهری کشورمان در رفتار و حرکات برخی رانندگان جوان و نوجوان و یا موتورسواران کم‌سن و سال جویای هیجان شاهد هستیم؛ رانندگانی که با سرعتی سرسام‌آور و با به خطر انداختن سلامتی و جان خویش و سایرین و گذر از خطوط قرمز قانون، تنها به دنبال رسیدن به هیجان هستند.

نه‌تنها، در برخی مواقع، جرم و تخلف برای مرتکبان، تجربه‌ای هیجان‌انگیز و لذت‌بخش است، بلکه برای تماشاگران و شاهدان عینی نیز به نحو مشابهی، مایه لذت و وجد است که همین امر، بر میزان هیجان بزه و انحراف خواهد افزود.^{۴۳} امروزه، هیجان در زندگی روزمره در اشکال مختلفی برای مصرف، ارائه می‌شود، از جمله این فعالیت‌ها، «بانجی‌جامپینگ»^{۴۴} است که هدفش، تبدیل کردن هیجان به کالاست. علاوه بر این اقدامات خطرناک، تجربه هیجان و لذت، می‌تواند از طریق انواع رفتارهای بزهکارانه نظیر سرقت یا جعل نیز کسب شود. حتی تمایل به تجربه هیجانات، ممکن است از رهگذر اقدامات خشونت‌آمیز و نابودگر تجلی یابد.^{۴۵} این هیجان و حس تمایل شدید به تجربه مجدد آن، به قدری نیرومند است که معمولاً صرف وجود ضمانت اجرایی کیفری نمی‌تواند، عامل بازدارنده‌ای برای مرتکبان جوان و نوجوانان باشد. فاعلان کم‌سن و سال این قسم فعالیت‌ها که رفتارهای پرخطر و کج‌روانه را راهی برای ارضای حس کنجکاو خود در نیل به تجربیات نوین هیجانی می‌بینند، حاضرند تا به قیمت تحمّل مجازات‌های قانونی و با نادیده گرفتن احتمال خطرات جانی برای خود، این رفتارهای

۴۱. محمود مهدوی، پیشگیری از جرم (پیشگیری رشدمدار) (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۱)، ۳.

42. Marilyn D. McShane, Frank P. Williams, *Criminological Theory* (USA, New Jersey: Pearson Education, 2014), 229.

43. Presdee, op.cit., 29.

44. Bungee Jumping.

45. Ibid, 62.

بزهکارانه را که برای آنها مایه لذت و هیجان است، انجام دهند. بسیاری از یادداشتهای جرم‌شناسان فرهنگی در ارتباط با «اتومبیل»، «بیان احساسات» و «هیجانان» است. از منظر آنها، «مسابقات سرعت غیرقانونی در خیابان‌ها و یا مانورهای خطرناک موتورسواران در سطح شهر، شاید در بادی امر، تنها یک سرگرمی پرسروصدا و مخرب به نظر آید، ولی در باطن، زمینه‌ای برای بیان احساسات و ابراز تمایلات درونی رانندگان و راهی برای کسب لذت است». در تحقیقی که در این رابطه در آمریکا صورت گرفته، اکثر رانندگان و موتورسواران جوان و نوجوان، انگیزه اصلی خود از انجام رفتارهای پرخطر در سطح شهر و علاقه به سرعت بالا را تجربه حس آزادی و رها بودن عنوان کرده‌اند. آنها بیان داشته‌اند که با این کار، آزادی برای آنها از یک رؤیا به واقعیتی لذت‌بخش تبدیل می‌شود.^{۴۶} جرم‌شناسی فرهنگی بر این اعتقاد است که ترشح ناگهانی «آدرنالین» و تجربه احساساتی چون ترس، لذت و ترکیب احساساتی نظیر خشم، سرافکندگی، سرخوشی، هیجان و ... واقعیات انکارناپذیری در مجموعه ارتکاب رفتار بزهکارانه هستند که هرگز در مفاهیم انتزاعی چون «انتخاب منطقی» نمی‌گنجند. جرم‌شناسان فرهنگی را باور بر این است که احساسات تأمل‌برانگیزی در فرایند بزهکاری وجود دارد که باید با عینک دقیقی مطالعه شوند.^{۴۷} ارجاع به ترشح آدرنالین، نشان‌گر توجه ویژه جرم‌شناسی فرهنگی به لحظه تجربه جرم و بزه بوده که یکی از وجوه افتراقی آن نسبت به سایر دیدگاه‌های جرم‌شناسانه است. این دیدگاه که از آن تحت عنوان «عدسی آدرنالین» یاد می‌شود، معنای موقعیتی رفتارهای بزهکارانه و انحرافی را در مرکز تحلیل خویش قرار داده و در پی دریافت دقیق تصاویر و احساساتی است که از طریق آنها، جرم از سوی مرتکب، درک شده و به اجرای نمادین می‌رسد. پیشینه تمرکز بر معنای موقعیتی جرم را می‌توان در اثر مهم «جک کتز»^{۴۸} با نام «وسوسه‌های جرم»^{۴۹} مشاهده نمود. وی بر این باور است که: «جرم‌شناسی همواره باید توجه خاصی به پاداش‌های احساسی داشته باشد که جرایم برای مرتکبان‌شان به ارمغان می‌آورند، به خصوص در مورد جرایمی که از منظر پاداش‌های مادی قابل توصیف نیستند».^{۵۰}

نظریه‌پردازان جرم‌شناسی فرهنگی با طرح و توصیف مدل نظری مربوط به فعالیت‌های

46. Ferrell et al., op.cit, 245-247.

47. Keith Hayward, and Jock Young, "Cultural Criminology: Some Notes on the Script," Special Edition of the *International Journal Theoretical Criminology* 8(3) (2005): 263.

48. Jack Katz.

49. Seduction of Crime.

50. O'Brien, Yar, op.cit., 48.

حاشیه‌ای معتقدند که: «خطرپذیری‌های کژروانه و بعضاً غیرقانونی نظیر مسابقات سرعت در خیابان، پرش از ساختمان یا ارتفاع، دیوارنویسی و آتش‌افروزی را باید با درک حسّ نابی که پیوند خطر و مهارت برای شرکت‌کنندگان به دنبال دارد، مطالعه نمود. این قسم فعالیت‌ها، فرصتی کمیاب و وسوسه‌برانگیز برای آزمایش توانایی‌های کودکان و نوجوانان و حتی جوانان در شرایط پرخطر بوده که آنها را به لبهٔ پرتگاه نزدیک کرده و به ترشح جذاب آدرنالین در خون و تجربهٔ لذتی وصف‌ناپذیر می‌انجامد. اغلب در این شرایط سیاست‌های سخت‌گیرانهٔ قانونی با افزایش درجهٔ خطر این فعالیت‌ها، میزان هیجانی را که فاعلان کودک و نوجوانان در طلب آن هستند، تقویت می‌کند».^{۵۱}

«کریستوفر لاش^{۵۲}» محققی است که در رابطه با خلق لذت و بزهکاری می‌نویسد: «در جامعه‌ای که صرفاً منطق و استدلال، پایهٔ محاسبات و مدیریت قرار گرفته، این منطق‌گرایی محض نمی‌تواند هیچ مرز یا مانع مؤثری را در مقابل لذت‌هایی با پاداش فوری ایجاد کند». در همین راستا، جرم‌شناسان فرهنگی را باور بر این است که: «هیچ‌یک از چارچوب‌های از پیش تعیین‌شده‌ای که بزه، انحراف یا خشونت را در جامعه محکوم می‌کنند، اشکال احساسی پاره‌ای از رفتارهای مزبور را در نظر نمی‌گیرند». کسب هیجان، «وجد^{۵۳}» و رهایی موقتی از دنیای منطق و استدلال، هدف اجرای بسیاری از نمایش‌های خطرناک و بزهکارانه در گروه سنی کودک و نوجوان است. جستجوی هیجانات مختلف، در بسیاری از موارد به طور مستقیم به نقض مرزهای قانونی و اخلاقی، قرار گرفتن در حاشیهٔ زندگی اجتماعی و درگیری با مکانیسم‌های قانونی خواهد انجامید. این مرتکبان درصدد دستیابی به لذت‌های مطلوب در حواشی زندگی اجتماعی و به طور دقیق‌تر، اجرای غیرقانونی این لذت‌ها هستند^{۵۴} و این همان روندی است که به شکل‌گیری مفهومی تحت عنوان «زندگی دوم» خواهد انجامید. این مفهوم مدرن که جایگاه بی‌بدیلی در مفهوم‌سازی بزهکاری کودکان و نوجوانان در جرم‌شناسی فرهنگی دارد، ذیلاً مطرح خواهد شد.

51. Jeff Ferrell, *Cultural Criminology*, Miller, J. Mitchell, *21 Century Criminology (A Reference Handbook)* (UK, London: SAGE Publication, 2009), vol. 1, 221, 229.

52. Christopher Lash.

53. Ecstasy.

54. Presdee, op.cit., 7, 8.

۲-۲- زندگی دوم یا کارناوالی بزهکاران

اصطلاح «زندگی دوم»^{۵۵} یا «زندگی کارناوالی»^{۵۶} عنوانی است که جرم‌شناسی با نام «بکتین»^{۵۷} برای نخستین بار، جهت اشاره به بخشی از زندگی - به ویژه در میان کودکان و نوجوانان - به کار برد. طبق نظر او، بیشتر تخلفات و جرایم از «زندگی دوم» انسان‌ها نشئت می‌گیرد. در واقع، «زندگی دوم»، آن قسمتی از زندگی است که توسط دنیای رسمی، منطقی و به وسیله قانون‌گذاران و سیاست‌مداران قابل دسترسی نیست. این قلمرو، فضای مناسبی برای غیرمنطقی بودن و بستر بیشتر بزه‌هاست. در شرایطی که مدیران جامعه سعی می‌کنند تا زندگی اجتماعی افراد را در مسیر سیاست‌های اجتماعی و قانونی به شکلی منطقی هدایت کنند، برخی شهروندان کودک و نوجوان، گاه خواسته و ناخواسته به قلمروی «زندگی دوم» وارد می‌شوند. تفکیک میان این دو بُعد از زندگی افراد؛ یعنی «زندگی واقعی» و «زندگی دوم یا کارناوالی»، بر پایه قوانین حاکم در هریک از آنهاست. در حالی که قوانین منطقی و سخت‌گیرانه جامعه بر «زندگی واقعی» حکومت دارد، «زندگی دوم» جایی است که تنها قانون موجود در آن، آزادی و رهایی از قید و بندهای زندگی واقعی است. زندگی دوم به عنوان یک بخش غیر رسمی زندگی، جایی است که برخی از انسان‌ها در آن، ناخشنودی و احساسات منفی خود را از زندگی منطقی ابراز می‌کنند. کودکان و نوجوانان فقیر و محروم، در این بخش از زندگی، دردهای ناشی از کمبودهای اقتصادی و نابرابری‌های اجتماعی را فریاد می‌زنند. بدین ترتیب، «زندگی دوم» که مکانی حقیقی برای بیان صریح و بی‌پرده احساسات جاری در زندگی واقعی انسان‌هاست، بعضاً با رفتارهایی ابراز می‌شود که می‌توان آنها را به «رفتارهای کارناوالی»^{۵۸} تشبیه نمود. وجه تسمیه این عنوان، آن است که در زمان‌های برگزاری کارناوال در بسیاری از جوامع، انجام رفتارها و حرکاتی که در شرایط عادی در زندگی اجتماعی، غیرمجاز و ممنوع هست، جواز انجام می‌یابند. در زمان برگزاری کارناوال، نابرابری‌ها و تفاوت‌های میان افراد جامعه از میان رفته و هرکس، می‌تواند آزادانه با حرکات خود و به دور از قیود تعریف‌شده رسمی و قانونی به بروز احساسات خویش بپردازد و این جولانگاهی است که برای بسیاری از کودکان، نوجوانان و جوانان، به ویژه سرخوردگان از زندگی واقعی، جذاب است. در زندگی دوم از طریق نمایش‌های کارناوالی، رفتارهایی انجام

55. Second Life.

56. Carnival Life.

57. Bakhtin.

58. Ibid, 8.

می‌گیرد که قابل ابراز در دنیای رسمی منطقی نیستند.

دنیای شکل‌گرفته در زندگی دوم، مکانی است که در آن، بعضی کودکان و نوجوانان، جهت‌رهایی از منطق‌گرایی و نابرابری‌های زندگی واقعی، خود را از هرگونه قانون رها کرده و از دنیای انسان‌های منطقی فاصله می‌گیرند. زندگی دوم در شکاف‌های موجود در ساختار رسمی جامعه، حیات می‌یابد. در حالی که زندگی رسمی برای برخی از جوانان در دنیایی از فقر و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی جریان دارد، زندگی دوم آنها، خود را از رهگذر رفتارهایی شبیه کارناوال نشان می‌دهد؛ یعنی در این بخش از زندگی، کارهایی انجام می‌شود که در زندگی واقعی، غیرمجاز و مجرمانه هستند؛ اما ورود به زندگی دوم، ارتکاب آنها را مجاز می‌سازد. گویی که کودک یا نوجوان به دنیای کارناوال قدم گذاشته و در این صورت، قوانین رسمی جامعه برای وی بی‌ارزش می‌شود. زندگی دوم، سرشار از آزادی، برابری و فراوانی کاذب برای کسانی است که هرازگاهی ورود به آن را تجربه می‌کنند.^{۵۹} نوجوانان به واسطه خرده‌فرهنگ نوجوانی مانند «هم‌آغوشی با خطر»، رفتارهای مجرمانه را به مثابه امری کارناوالی در نظر می‌گیرند.^{۶۰} از این منظر، امر کارناوالی، دلالت بر ویژگی‌های ذاتی یک کارناوال دارد. کارناوال، جشنی برای آزادی موقت از واقعیات موجود جامعه و نظم مسلط آن محسوب شده و به معنای تعلیق همه منزلت‌ها، مزایا، هنجارها و ممنوعیت سلسله‌مراتبی است.^{۶۱}

برای آنانی که به زندگی دوم پای می‌گذارند، همه‌چیز، حتی خشونت، مجاز می‌شود، چراکه در این بخش، تمامی معانی و ارزش‌های دنیای واقعی، به پوچی گراییده و پایه‌های «بایدهای فرهنگی»^{۶۲} سست می‌شود. این بخش از زندگی، بیشتر مختص کودکان و نوجوانانی است که از جامعه طرد شده و یا به حاشیه‌نشینی محکوم شده‌اند. زندگی دوم، بخشی از زندگی این افراد است که در آن، برای جبران حس تحقیر و نادیده گرفته شدن توسط جامعه، برخلاف جریان اصلی آن حرکت می‌کنند. یکی از ویژگی‌های اصلی این بخش

59. Mikhail Bakhtin, *Rabelais and his World* (USA, Bloomington: Indiana University Press, 1984), 46.

۶۰. فرهاد الله‌وردی، «رویکرد جرم‌شناسی فرهنگی به عدالت کیفری جوانان» (رساله دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۳)، چکیده.

۶۱. محمد فرجیها و فرهاد الله‌وردی، «رویکرد جرم‌شناسی فرهنگی به تغییر الگوی مصرف مواد مخدر در میان جوانان»، *مجله آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی* ۹۰ (۱۳۹۳)، ۹۳.

62. Cultural Imperative.

از زندگی، انحراف از معانی پذیرفته در زندگی واقعی و نابودی ارزش‌ها و باورهای رایج فرهنگی و اخلاقی است.^{۶۳} امروزه، به دنبال گسترش فناوری‌های ارتباطی و توسعه «فضای مجازی»^{۶۴}، قابلیت اجرای زندگی دوم شهروندان، علاوه بر محیط فیزیکی دنیای بیرون در این محیط خاص نیز فراهم آمده است؛ یعنی آنان، هم‌زمان در دو محیط متفاوت حضور داشته و با فعالیت‌های خود، از زندگی واقعی روزمره فاصله می‌گیرند.^{۶۵} از این رو، جرم‌شناسی فرهنگی که در تحلیل بزهکاری کودکان و نوجوانان، رابطه میان این پدیده و فرهنگ را به دقت مورد بررسی قرار می‌دهد، بر این باور است که ورود به زندگی دوم برای برخی از این افراد، واقعیتی انکارناپذیر است؛ بدین معنا که دسته‌ای از کودکان و نوجوانان برای رهایی از احساسات نامطلوب زندگی واقعی و کسب لذت و یا حس برتری و مهم بودن، گام به دنیایی می‌گذارند که همانند کارناوال، عاری از هر نوع منطق و قانون رسمی است.

«مایک پرسدی» با الهام از تمثیل ارائه‌شده در کتاب «شهر نرم» از سوی «جاناتان رابان» و اندیشه‌های «مایکل دسیرتو»، زندگی دوم را تنها پایگاه در دسترس برای اظهار احساسات واقعی شهروندان به خصوص جوان‌ترها می‌داند. این دیدگاه به طور خاص به بررسی عمیق و متفاوتی از زندگی در لایه‌های زیرین شهر می‌پردازد.^{۶۶} طبق نظر وی در درون جوامع برای بسته شدن درب‌های زندگی دوم یا کارناوالی، باید کودکان، نوجوانان و البته جوانان حاشیه‌ای را درک کرده و از روند حذف آنها جلوگیری نمود. لذا در دنیای کنونی، به جرم‌شناسی احتیاج است که به واقعیت حضور این گروه‌های طردشده، آگاه بوده و نیز، خواستار کشف دلایل حاشیه‌نشین شدن آنها و جرم‌انگاری رفتارها و سبک زندگی‌شان باشد. نظام‌های حقوقی امروز دنیا، نیازمند جرم‌شناسی هستند که این دغدغه را سرلوحه کار خود قرار دهد که اقدامات آزردهنده و تنفرآمیز کودکان و اقلیت‌های نوجوان از کجا نشئت می‌گیرد و چگونه این اقدامات به شیوه‌ای سرگرم‌کننده به زندگی‌های معاصر نفوذ کرده‌اند؟ جرم‌شناسی‌ای که پیرامون اینکه فرهنگ، چگونه مرتکب جرم می‌شود، مطالعه نماید و با ارائه درک صحیحی از بزهکار و دنیای وی، به شناسایی فرایندی بپردازد که طی آن بزهکاری برای گروهی، لذت‌بخش و تسکین‌آور می‌شود.^{۶۷} از این رو، کارناوال، ابزاری برای تخلیه موقتی احساسات و هیجانات بعضاً

63. Presdee, op.cit., 9.

64. Cyber Space.

65. Hayward, op.cit., 456.

66. Hayward, Young, op.cit., 6.

67. Presdee, op.cit., 11.

منفی شهروندان است. در همین رابطه، «پرسدی» با اشاره به کارکردهای مثبت این پدیده در مسیر بیان احساسات درونی اعضای جامعه و انواع سرخوردگی‌های آنها بیان می‌دارد که «متأسفانه، امروزه تا حد زیادی، سنت برگزاری نمایش‌های کارناوالی در اکثر جوامع، محدود گشته و یا از میان رفته و این امر می‌تواند با محدود کردن گزینه‌های افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی، به خصوص کودکان و نوجوانان، جهت ابراز آنچه که در درونشان در جریان است، باب‌هایی را برای بزهکاری بگشاید؛ باب‌هایی که می‌توان با مجاز کردن کارناوال در بازه‌های زمانی مشخص، آنها را مسدود نمود».^{۶۸} با توجه به همین واقعیت است که می‌گویند اگر ملت اسپانیا را از گلوبازی، آمریکایی‌ها را از بوکس و راگی و کشورهای اروپایی را از فوتبال محروم کنیم، منجر به جنگ همه بر ضد همه خواهد شد.^{۶۹} زیرا در این صورت، احساسات و هیجانات مردم، علی‌الخصوص نسل کودک و نوجوان، مفری برای بروز نداشته و این امر، می‌تواند خود را در شکل رفتارهای نابهنجار و بزهکارانه نشان دهد.

از این زاویه می‌توان به کشف رابطه بین بزهکاری کودکان و نوجوانان با اوقات فراغت آنان پرداخت. از این منظر کاهش سطوح خطرپذیری این نسل‌ها از طریق سامان‌دهی مجموعه‌ای از تفریحات هدف‌دار و مدیریت اوقات بیکاری آنها میسر می‌شود. البته در این راه، صرف پر کردن وقت مهم نیست، بلکه مهم پر کردن اوقات فراغت با فعالیت‌هایی است که مهارت‌ها را توسعه می‌بخشند. اوقات فراغت یک نهاد اجتماعی است که با دنیای کودکان و نوجوانان، ارتباط تنگاتنگی دارد.^{۷۰} بهره‌مندی مناسب از ظرفیت اوقات فراغت کودکان و نوجوانان به عنوان فرصتی طلایی و به کارگیری انرژی، توان و هیجانات آنان در انجام فعالیت‌های بی‌ضرر و البته مفید، نظیر انواع حرکات ورزشی و یا برپایی برنامه‌های پرشور و هیجان‌گروهی و سامان‌دهی شده با جلوگیری از بدل شدن اوقات فراغت این نسل به تهدیدی پرخطر، زمینه برون‌ریزی هیجانات آنان را به نحوی مجاز و بی‌خطر فراهم ساخته و باب بزهکاری‌های ماجراجویانه و وجدطلبانه را سد می‌کند. به عنوان نمونه، کوه میدانی برای تخلیه و تولید هیجان، سرخوشی و گریز از تنش‌های روزمره شهری است. انعطاف‌پذیری هنجارهای جنسیتی، گمنامی و کنترل و نظارت کمتر، مواجهه کمتر با نگاه خیره و فرصت‌های خودابرازی بیشتر سبب می‌شود تا فضای کوه برای جوانان هر دو

68. Jock Young, *The Exclusive Society* (USA, CA: Sage Published, 1999), 201

۶۹. جاوید صلاحی، *بزهکاری اطفال و نوجوانان* (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۸)، چاپ پنجم، ۱۶۱.

۷۰. آلن فرانس و راس هامل، *پیشگیری رشدمدار از جرم*، مترجمان باقر شاملو و مهدی مقیمی (تهران: نشر

میزان، ۱۳۹۳)، ۲۶۹-۲۶۵.

جنس، مجالی برای برخی معافیت‌های موقت و عموماً کوچک اخلاقی، ماجراجویی و خطرپذیری را فراهم سازد^{۷۱}، به نحوی که بتوان به آن به چشم موقعیتی کارناوالی و پیش‌گیرنده از انواع بزهکاری و انحرافات بعضاً مهم نگریست.

اوقات فراغت به ویژه ورزش، کارکردهای خاصی را برای همه بخش‌های جامعه و به خصوص کودکان، نوجوانان و جوانان به همراه دارد، تمایلات و احساسات سرکوب‌شده آنان را تخلیه و آزاد می‌کند. این در حالی است که مطالعه ملی انجام‌شده در «سازمان ملی جوانان» بر روی حدود ۲۵ هزار نوجوان و جوان ساکن مناطق شهری، حکایت از آن دارد که مصرف منفعلانه فراغت (به تنهایی سپری کردن، محدود بودن به منزل و بدون تقویت مهارت‌های مشارکتی)، بیش از مصرف فعالانه آن است. این وضعیت برای دختران جوان و نوجوان به شکل حادثی مطرح است، به گونه‌ای که پس از تماشای تلویزیون، سایر فعالیت‌های مهم فراغتی آنها، همگی در چارچوب محیط منزل و محدود به استراحت و گفت‌وگو با اعضای خانواده و انجام کارهای هنری بوده است. از این رو، آموزش‌های مربوط به اوقات فراغت باید بتواند عوامل بازدارنده و مانع بر سر راه گذراندن بهینه اوقات فراغت کودکان و نوجوانان را شناخته و نسبت به رفع آنان اقدام کند. زیرا اوقات فراغت قلمروی مشروع ارزشمندی است.^{۷۲} این موقعیت که توجه بیش از پیشی را می‌طلبد، زنگ خطر جدی را به صدا درآورده و نیازمند مطالعه، پژوهش و اقدام عملی مؤثر می‌باشد. با عطف نظر به این مقوله و پیوند آن با مفهوم کارناوال جرم‌شناسی فرهنگی، می‌توان از «پیشگیری‌های فراغت‌محور» در باب بزهکاری کودکان و نوجوانان سخن گفت.

نتیجه

جرم‌شناسی فرهنگی با گشودن دریچه رو به دنیاهایی که تا پیش از این، برای عرصه جرم‌شناسی ناشناخته و یا کمتر شناخته‌شده بوده و طرح مفاهیم نوینی نظیر «کارناوال» و «عدسی آدرنالین»، سعی در هم‌سو شدن با زندگی روزمره مردم به ویژه نسل کودک و نوجوان دارد تا این چنین بتواند تحلیل‌های عمیق و ملموس‌تری از بزهکاری آنان ارائه دهد.

از آنجا که امکان بهره‌برداری صحیح و اصولی از چارچوب جرم‌شناسی فرهنگی در جامعه

۷۱. محمدسعید ذکایی، «فضاهای فراغتی شهری و زنانگی‌های جدید»، مجله علوم اجتماعی (علاّمه طباطبایی) ۷۳ (۱۳۹۵)، ۶۹ و ۷۰.

۷۲. محمدسعید ذکایی، «تحوّل الگوی گذراندن فراغت در جوامع غربی و ایران»، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی دوره دهم (۴) (۱۳۹۶)، ۳۴-۳۰.

ایران که نمودهای فرهنگی فراوانی در آن به چشم می‌آید، وجود دارد، باید گفت که یکی از الگوهای مورد استفاده، می‌تواند تمرکز بر احساسات و هیجانات درونی کودکان و نوجوانان و خرده‌فرهنگ‌های متناسب به آنان باشد. ضرورت این توجه، با ارجاع به این واقعیت که در ترکیب جمعیتی کشورمان، نسل‌های نوپا، حضوری چشم‌گیر دارند، با قوت بیشتری جلوه‌گر می‌شود. از این رو، می‌توان با کسب شناختی جامع از پیش‌زمینه‌های احساسی برخی مرتکبان و اجازة بروز احساسات و هیجانات آنها به شکلی مجاز و غیرمجرمانه از ارتکاب بسیاری از بزه‌ها و به ویژه انحرافات که می‌توانند پایه جرایم بعضاً شدید آتی باشند، جلوگیری کرد. به عنوان ساده‌ترین مصداق، یکی از علل گرایش روزافزون جوانان و نوجوانان و در کمال شگفتی کودکان آینده‌ساز کشورمان به استفاده از انواع مواد مخدر به ویژه از نوع شیمیایی آن، ورود به دنیایی سرشار از هیجان است؛ دنیایی که در آن، تمامی مشکلات روزمره از یادها رفته و خوشی، لذت و شادی کاذبی - که در شرایط عادی و زندگی واقعی، فراهم نیست - برای مصرف‌کنندگان به بار می‌آید. با لحاظ این واقعیت، به صرف جرم‌انگاری و اتخاذ اهرم‌های سخت‌گیرانه کیفی، نه تنها از خوشی و لذت‌های کاذب مواد مخدر، کاسته نخواهد شد، بلکه بر هیجانات مصرف‌کنندگان افزوده می‌شود. از این رو، باید با استفاده از روش‌های عمیق میدانی و حضور در میان کودکان، نوجوانان و جوانان و خرده‌فرهنگ‌هایی که به استفاده مستمر از مواد مخدر گرایش دارند با احساسات و پیش‌زمینه‌های فرهنگی که به چنین امری دامن زده‌اند، آشنا شد. در این منظر، اگر با پژوهش‌های قوم‌شناسانه حاصل آمد که برخی مصرف‌کنندگان کم‌سن و سال، به استعمال مواد مخدر یا مشروبات الکلی به عنوان دريچه‌ای برای ورود به زندگی کارناوالی متوسل می‌شوند، اینجاست که بایستی به دنبال بازشناسی و ایجاد راهکارهایی مجاز و بی‌خطر برای تخلیه هیجانات و ابراز احساسات درونی آنها بود. یا در مثالی دیگر، انجام رفتارهای کژروانه و خطرناک در روز چهارشنبه آخر سال (چهارشنبه‌سوری) از سوی تعدادی از نوجوانان، جوانان و حتی کودکان که همه‌ساله به معضل خانواده‌ها و نیروهای انتظامی بدل می‌شود، باید از این دریچه تحلیل گردد که افراد کم‌سن و سال در شرایط نبود موقعیت‌های مشابه بی‌خطر در طول سال به منظور برون‌ریزی هیجانات و احساسات خویش به سبک کارناوالی، از فرصت موجود به نحوی نادرست استفاده می‌کنند. زیرا به دلیل نداشتن تجربه‌های مشابه، مهارت لازم برای قرارگیری در چنین بستری را ندارند. بنابراین تا زمانی که بخواهیم، بدون آشنایی با پویایی‌های دوران نوجوانی و بدون لحاظ نیاز انکارناپذیر کودکان، نوجوانان و جوانان جامعه به محملی برای بیان احساسات درونی‌شان، گام برداریم، نتیجه همان خواهد شد که به موضع‌گیری غیرکارشناسانه برخی اصحاب رسانه در قبال قضیه آب‌بازی با

تفنگ‌های آب‌پاش در پارک «آب و آتش» انجامید؛ موضع‌گیری که به جای نگاه به این مورد در قالب وسیله‌ای برای تخلیه هیجانی عده‌ای نوجوان و درخواست از مسؤولین مربوطه به فراهم‌سازی بسترهای مناسبی جهت تحقق این مهم، بر شرکت‌کنندگان در این واقعه، برچسب منحرف زد. بدیهی است که مسدود کردن باب‌های کم‌خطر ابراز احساسات روحی و هیجانات کودکان و نوجوانان و عدم ایجاد زمینه‌ها و ابزارهای متناسب در این رابطه از یک‌سو و از سوی دیگر ورود برچسب‌های بزهکارانه و انحرافی به این نسل، آن هم بدون توجه تخصصی به پیامدهای ناگوار آن، امکان ارتکاب رفتارهای غیرمجاز و خلاف قانون را قوت خواهد بخشید. بدین‌سان، زمانی مسیر درستی برای مطالعه‌ی جرم‌شناسانه خود انتخاب خواهیم کرد که بازبینی مجددی در نگاه خود به مسئله بزهکاری داشته و بپذیریم پدیده‌های ریز و درشت فرهنگی که تا به امروز در دید ما جایی نداشته‌اند با تولید جریانی از معانی، نمادها و احساسات، نقشی بنیادین در خلق بزهکاری و انحراف دارند. با توجه به اوصاف فوق، یکی دیگر از راهکارهای مؤثر کنترل بزهکاری، می‌تواند آموزش روش‌های صحیح ابراز عواطف و احساسات به افراد جامعه از راه‌های جامعه‌پذیری اولیه - با محوریت خانواده - و جامعه‌پذیری ثانویه - از طریق مدرسه، گروه‌های هم‌سالان و شبکه‌ی دوستان و از همه مهمتر، رسانه‌های جمعی به ویژه ابررسانه‌هایی مانند رادیو و تلویزیون - باشد.

بدیهی است که با کمک فهم تفسیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان و بعضاً جوانان که ریشه در توجه بایسته به احساسات، هیجانات درونی و لذاتی دارد که آنان در طلبش هستند، می‌توان به ریشه‌یابی فرهنگی رخداد برخی رفتارهای بزهکارانه و کژروانه پرداخت. در پرتوی این دیدگاه، تخریب اموال عمومی پس از برگزاری مسابقات ورزشی طرفدار، به خصوص از سوی هواداران تیم‌های ناکام و یا رفتارهای پرخاشگرانه برخی تماشاگران نسبت به بازیکنان و سایرین در جریان بازی، باید با تکیه بر واقعیت نیاز به برون‌ریزی احساسات مثبت و منفی و مفهوم کارناوال تحلیل گردد. زمانی که در جامعه، از مدت‌ها قبل از برگزاری مسابقه‌ای، تبلیغات گسترده‌ای در رسانه‌های جمعی و محافل ورزشی صورت گرفته و این چنین، هیجانات برانگیخته شده و احساسات شدیداً تحریک می‌شود و از سوی دیگر، مجال و محملی برای تخلیه و بروز این هیجانات و احساسات مثبت و منفی طرفداران کودک و نوجوان فراهم نمی‌شود، نتیجه‌اش برون‌ریزی این‌گونه هیجانات به نحوی کژروانه و آسیب‌زا خواهد بود. حتی رفتارهای خشن برخی بازیکنان در زمین مسابقات ورزشی را می‌توان به ناشستن مهارت کنترل هیجانات و چگونگی ابراز صحیح آن نسبت داد؛ امری که ضرورت آموزش‌های

فرهنگی نوینی را درمی‌طلبد.

از سویی دیگر لازم است تا با کاربرست صحیح و فنی مفهوم «کارناوال» در خصوص کودکان و نوجوانان حاشیه‌ای که از جریان اصلی جامعه بازمانده و مطرود شده‌اند و ضمن ارائه تحلیل‌هایی احساس‌مدار از بزهکاری آنان به دنبال راه‌حل‌هایی عملی و مؤثر برای پیوند ایشان به اجتماع و رفع احساسات منفی آنان بود؛ احساسات مخرب‌بی که خود را از ورای کارناوال جرم نشان می‌دهند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

- استوت، برایان، جو بیس و برایان ویلیامز. جرم‌شناسی کاربردی. ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳.
- انجمن جامعه‌شناسی ایران. مجموعه مقالات، آسیب‌های اجتماعی ایران. تهران: نشر آگه، ۱۳۹۰.
- پی. ویلیامز، فرانکلین، ماری لین مک‌شین دی. نظریه‌های جرم‌شناسی. ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۸.
- پیکا، ژرژ. جرم‌شناسی. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳.
- خواجانه‌نوری، یاسمن. جهانی شدن حقوق کیفری اطفال بزهکار. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶.
- ذکایی، محمدسعید. «تحول الگوی گذراندن فراغت در جوامع غربی و ایران». مجله رشد آموزش علوم اجتماعی دوره دهم ۴ (۱۳۹۶): ۳۵-۳۰.
- ذکایی، محمدسعید. «فضاهای فراغتی شهری و زنانگی‌های جدید». مجله علوم اجتماعی (علامه طباطبایی) ۷۳ (۱۳۹۵): ۹۱-۶۲.
- ذکایی، محمدسعید. «مصرف و سبک زندگی: رویکردها، مسائل و آسیب‌ها». نشریه رسانه سال ۲۳ (۳) (۱۳۹۱): ۳۴-۵.
- ذکایی، محمدسعید. «جرم‌شناسی فرهنگی و مسئله جوانان». مجله جامعه‌شناسی ایران ۱۳ (۱۳۹۱): ۸۳-۵۸.
- سلیمی، علی، محمد داوری. جامعه‌شناسی کج‌رویی. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
- سی گل، لاری، جی. جرم‌شناسی. ترجمه یاشار سیف‌اللهی. تهران: نشر دفتر تحقیقات کاربردی ناجا، ۱۳۸۵.
- شیری، عباس. تقریرات درس جرم‌شناسی در دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی: جرم‌شناسی فرهنگی. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.
- صادق‌نیا، مریم. مسؤلیت کیفری طفل در آیین قانون و فقه. قم: انتشارات دارالنشر اسلام، ۱۳۹۳.
- صلاحی، جاوید. بزهکاری اطفال و نوجوانان. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۸.
- طه، فریده. بررسی کنگره‌های پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد (کودکان و نوجوانان در معرض خطر بزهکاری). تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰.
- فرانس، آلن، و راس هامل. پیشگیری رشد‌م‌دار از جرم. مترجمان باقر شاملو و مهدی مقیمی. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳.
- فرجیها، محمد، فرهاد الله‌وردی. «رویکرد جرم‌شناسی فرهنگی به تغییر الگوی مصرف مواد مخدر در میان جوانان». مجله آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی ۷ (۱۳۹۳): ۱۰۶-۸۳.
- گیدنز، آنتونی. گزیده جامعه‌شناسی: ویژه دوره کارشناسی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی، ۱۳۹۱.

- الله‌وردی، فرهاد. «رویکرد جرم‌شناسی فرهنگی به عدالت کیفری جوانان». رساله دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۳.
- معظمی، شهلا. *بزهکاری کودکان و نوجوانان*. تهران: نشر دادگستر، ۱۳۹۲.
- مگوایر، مایک و راد مورگان، و رابرت رینر. *دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد*. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹.
- مور، استفان. *مروری بر جامعه‌شناسی*. ترجمه سوسن اردبیلی. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶.
- مهدوی، محمود. *پیشگیری از جرم (پیشگیری رشدمدار)*. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۱.
- مهر، نسرين. *عدالت کیفری کودکان و نوجوانان*. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین. *دیباچه بر پژوهشی در مابین پیشگیری اجتماعی رشدمدار از بزهکاری اطفال و نوجوانان*. تألیف محمود رجبی پور، ۱۷-۱۳. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۱.
- نجفی توانا، علی. *جرم‌شناسی*. تهران: نشر آموزش و سنجش، ۱۳۸۵.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین، حمید هاشم‌بیگی. *دانشنامه جرم‌شناسی*. تهران: انتشارات گنج‌دانش، ۱۳۹۰.
- نیاپور، امیرحسن. *حقوق کیفری کودکان و نوجوانان*. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶.
- والک لیت، ساندر. *شناخت جرم‌شناسی*. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶.
- وایت، راب، و فیونا هینز. *جرم و جرم‌شناسی*. تهران: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳.

ب. منابع لاتین

- Bakhtin, Mikhail. *Rabelais and his World*. Bloomington, USA,: Indiana University Press, 1984.
- Bandrillard, J. "The Ecstasy of Communication." In *Postmodernism, Culture*. London, UK: Pluto Press, 1985.
- C.Walsh, Brandon, and David P. Frrington. *Prevention Crime (What Work for Children, Offenders, Victims and Places)*. New York, USA: Springer, 2006.
- D. McShane, Marilyn., Frank. P. Williams. *Criminological Theory*. Sixth Ed. New Jersey, USA: Pearson Education, 2014.
- Ferrell, Jeff, and Keith Hayward, and Jock Young. *Cultural Criminology*. Reviewed by Dr. Matt Long. New York, USA: Nottingham Trent University, SAGE Publication, 2008.
- Ferrell, Jeff, Keith Hayward, Wayne Morrison and Mike Presdee, *Cultural Criminology Unleashed*. First Published. London, UK: Glasshouse Press, 2004.
- Ferrell, Jeff. "Culture, Crime and Cultural Criminology." *Journal of Criminal Justice and Popular Crime, USA* 8 (1995): 25-41.
- Ferrell, Jeff. *Cultural Criminology, 21 Century Criminology*. Vol. 1. London, UK: CSAGE Publication, 2009.
- Ferrell, Jeff. *Cultural Criminology, Annual Review of Sociology*. Vol. 25. Flagstaff, Arizona, USA: Department of Criminal Justice, Northern Arizona University, 1999.
- Ferrell, Jeff. *Cultural Criminology, Miller, J. Mitchell, 21 Century Criminology (A Reference Handbook)*. Vol. 1. London, UK: SAGE Publication, 2009.

- Hayward, Keith, and Jock Young. "Cultural Criminology: Some Notes on the *Script*." Special Edition of *the International Journal Theoretical Criminology* 8(3) (2005): 18-25.
- Hayward, Keith, and Mike Presdee. *Framing Crime; Cultural Criminology and the Image*. First Published. New York, USA: Routledge, 2010.
- Hayward, Keith. *Five Spaces of Cultural Criminology*. London, UK: University Press on behalf of Crime and Justice Studies (ISTD), 2012.
- Junger- Tas, Josine. *International Handbook of Juvenile Justice*. New York, USA: Springer, 2008.
- Miller, J.Mitchell. *21 Century Criminology*. Vol. 1, 2. London, UK: SAGE Publication, 2009.
- O. White, Susan. *Handbook of Youth and Justice*. New York, USA: Springer, 2001.
- O'Brien, Martin, and Majid Yar. *Criminology: The Key Concepts*. First Published. New York, USA: Routledge, 2008.
- O'Brien, Martin. "What is Cultural about Cultural Criminology?." *The British Journal of Criminology (Oxford Journals)* First Published Online (2005): 568-600.
- P. Farrington, David, and Alex R, Piquero. *Offending from Childhood to Late Middle Age (Recent Result from The Cambridge Study in Delinquent Development)*. London: Springer Briefs in Criminology, 2013.
- Presdee, Mike. *Cultural Criminology and the Carnival of the Crime*. First Published. London, UK: Routledge, 2000.
- Spencer, Oatey. *Cultural Speaking: Culture, Communication and Politeness Theory*. London, UK: SAGE Publication, 2008.
- Young, Jock. *The Exclusive Society*. CA, USA: Sage Published, 1999.

Using Cultural Criminology in Analysis Minor and Juvenile Delinquency by Relay on Carnival, Adrenaline and Second Life Concepts

Dr. Sara Aghaei

Ph.D. in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science,
University of Tehran, Iran
Email: aghaei.sarah@gmail.com

Cultural criminology as a theoretical approach focused on cultural context of crime and delinquency is a product of the 1990s. This criminology because of qualitative methodology is at the opposite point of quantitative criminology and in the direction of conceptualization of criminal phenomena has special attention to dynamic cultural elements in and out of offender therefore trying to understand empathy and deep understanding of emotions, excitements, enjoys and ecstasy related to some of crimes. Focus on this factors and use from ethnography has caused analytical route of cultural criminology efficient and feasible in field of juvenile delinquency in the postmodernism world. Carnival in the form of metaphorical conception to be referred to offenders' second life is an unmatched tool for study in this modern criminology.

Keywords: Carnival, Cultural Criminology, Adrenaline, Excitement, Second Life.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY

VOL. VI, No. 1

2018-1

- **Reflections on the Criminalization of Use of Chemical Weapons and ICC's Jurisdiction Ratione Temporis on this Crime in the light of the Iraq - Iran War**
Dr. Mahdi Abdulmaleki & Dr. Seyed Ghasem Zamani
- **Criminological Investigation of Violence by Football Fans**
Majid Aghaee & Dr. Ali saffari
- **Assessing the Effectiveness of Psychodrama on Decreasing Aggression of Children (Using Psychodrama instead of Classical Methods of Punishing Violent Behaviors)**
Dr. Mohammad Ashouri & Elmira Soleimany Savad Roubary
- **Interim Order in Criminal Matters**
Dr. Mansour Rahmdel
- **Iran's Judicial Criminal Policy on Alternatives to Imprisonment**
Dr. Hossein Gholami & Davood Khaksar
- **The Study of Marginalization's Impact of Crime (Marginalization Districts of Dowlat Abad in the Kermanshah)**
Dr. Tahmoores Bashirie & Mohammad Saeed Mozafari
- **Using Cultural Criminology in Analysis Minor and Juvenile Delinquency by Relay on Carnival, Adrenalin and Second Life Concepts**
Dr. Sara Aghaei



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study